

بسم الله الرحمن الرحیم

وَ يُطْعِمُونَ الطَّعامَ عَلى‏ حُبِّهِ مِسْكيناً وَ يَتيماً وَ أَسيرا

خانه ؛ این کلمه چه حسی را به شما منتقل می کند ؟

دغدغه ، آرامش ، گرما ، پناه ، دورهم جمع شدن و ...

شاید امروز دغدغه ی تهیه یک خانه ی مناسب ، دغدغه ی مشترک خیلیها باشد . دغدغه است چون با بودنش خیلی از نیازهای ما برآورده می شود . آن نیاز اصلی ای که یک خانه می تواند برایمان برآورده سازد ، حس آرامشی هست که زیر یک سقف در کنار عزیزانمان می توانیم به دست آوریم

نفس خانه ، آرامش بخش است

ما نسبت به خانه ی پدری حسی مشترک داریم . خیلیها این حس را تجربه کردن که با پا گذاشتن به خانه ی پدری ، گویی وارد یک پناهگاه شده اند ، آرامش در کنار پدر و در پناه محبت مادر بودن

پیداکردن یک پناهگاه مثل یک خانه ، برای خیلیها ارزشمند است . خانه ای که بتوانیم در آن به آرامش برسیم ، جایی که نداشته هامان را در آن جستجو کنیم ، جایی که به ما بدون چشم داشت محبت شود .

چنین خانه ای وجود دارد ؟ جایی وجود دارد که صاحبانش بدون اینکه از من بپرسند چه کاره ای ! برای چه آمدی ! دین و مسلکت چیست ! بدون هیچ چشم داشتی فقط برای رضایت خدا ، به ما محبت کنن و بی حساب و کتاب نیازها و آرزوهای ما را براورده کنند ؟

خدایا چقدر خوب بود اگر چنین جایی را به ما نشان می دادی !

خدا یک چنین خانه ای را برایمان قرار داده و که صاحبانش را هم خودش معرفی کرده .

مگر می شود ما از خدا درخواستی کنیم و خدا نیاز ما را بی پاسخ رها کند؟

خدا فرموده از رحمت من نباید هیچ کس بی بهره بماند ، بیایید تا نشانتان دهم کجا می توانید پاسخ خواسته هایتان را پیدا کنید .

صدای رسای خدا در پاسخ به نیازهای ما همین کتابی است که همه برایش احترام زیادی قائلیم و بزرگترها به ما گفته اند که راه نجات را از میان کلمات همین کتاب پیدا کنید .

خدا آدرس این خانه و صاحبانش رو داده است . برایش نشانه گذاشته که بتوانی پیدایش کنی . چون این خانه فقط متعلق به یک زمان و یک مکان نیست . پاسخ خدا برای تک تک آدمهایی است که صدایش می زنند و محدود به یک زمان خاص نمی شود

 خدا نشانه ای که برای این خانه گذاشته را اینگونه معرفی می کنه :

وَ يُطْعِمُونَ الطَّعامَ عَلى‏ حُبِّهِ مِسْكيناً وَ يَتيماً وَ أَسيرا

یعنی خانه ای که پناهگاه هر نیازمندی است . نشانه ی این خانه اینست که اگر رفتی و در این خانه را زدی ، صاحبانش فقط به دنبال این هستند که راضی از در خانه شان بیرون روی ، به اینکه که هستی و چه هستی نگاه نمی کنند ، آنها برایشان رضایت تو از این رجوع مهم است .

صاحبان این خانه افرادی هستند که خدا اینگونه توصیفشان می کند :

الَّذينَ يُنْفِقُونَ أَمْوالَهُمْ في‏ سَبيلِ اللَّهِ ثُمَّ لا يُتْبِعُونَ ما أَنْفَقُوا مَنًّا وَ لا أَذىً لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُونَ (262)

رضایت آنها در گرو کمکی است که به من و شما می کنند بدون اینکه ذره ای ناراحتی از این لطف داشته باشند و فقط برایشان رضایتمندیه آرزومندانی مهم است که در خانه شان را به صدا در آورده اند ؛ چرا که در راه خدا اینگونه می کنند .

و همین حس آنهاست ، که نشان دارشان کرده . همین بزرگمنشی است که خاصشان کرده و کسی جز آنها اینگونه نمی کند . این تمایز و این نشان ، نشانی است که از خدا دریافت کرده اند . خداوند نشان آنها را برای ما که اگر خواستیم بشناسیمشان این گونه معرفی می کند :

 إِنَّما يُريدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهيراً (33)

نشان ویژه ی اهل این خانه که خدا برایشان قرار داده این است که از هر زشتی و ناپاکی در امان باشند تا اگر نیازمندی مثل ما در خانه ی آنها را به صدا در آورد ، جز خوبی و پاکی نصیبش نشود .

این خانه باز هم نشانه دارد . خانه ای که بهترین خلق خدا - پیامبر اسلام (ص) - هر روز صبح قبل از رفتن به مسجد به در آن خانه که می رسید با صدای بلند می فرمود آن خانه ای که خدا اهل آنرا از هر گونه ناپاکی در امان قرار داده همین خانه است که اهل بیت من در آنند .

خانه ای که حتی جبرائیل بزرگترین فرشته ی الهی هم بدون اذن صاحبان آن ، داخل نمی شود .

خانه ای که مادرش بهترین زنان عالم ، پدرش اول مظلوم عالم و امیر ایمان آوردگان است و فرزندانش سرور جوانان اهل بهشت.

و این خانه همان خانه ایست که اهل آن 3 روز روزه دار بودند و بچه هایش گرسنه ولی رفع نیاز مسکین و یتیم و اسیر را بر نیاز خود ترجیح دادند که نکند نیازمندی ناراضی از در خانه شان برود .

این خانه ، پناه امن الهی قرار گرفت که اهل عالم بتوانند با رجوع به آن گمشده های خود را پیدا کنند .

ولیکن نا اهلان و ناپاکان و بی صفتانی که تمام هم و غمشان دوری من و شما از خوشبختی است ، این خانه را تاب نیاوردند و آن شد که نباید می شد .

خانه ی وحی و محل نزول جبرائیل را آتش زدند ، مادر این خانه را در میان دیوار و در پر پر کردند ، بچه های این خانه را یتیم و پدر این خانه را بزرگترین مظلوم عالم قرار دادند .

اما خداوند اگر نوری را روشن کند برای هدایت و نجات ، همه ی عالم هم جمع شوند که آن نور روشنی خود را از دست بدهد ، نخواهند توانست . و خداوند اینگونه آنها را معرفی می کند :

يُريدُونَ لِيُطْفِؤُا نُورَ اللَّهِ بِأَفْواهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكافِرُونَ (8)

 کسانیکه فکر می کنند نور خداوندی را می توانند با دست خود خاموش کنند

اگر در آن خانه را سوزاندند ، مادری در پشت آن در جان خود را فدا کرد که این پناه الهی پابرجا بماند . برای آنکه روزی نیاید که هم چون من و شمایی نیازمند ، سراغ پناهگاه الهی بگردیم و آن را نیابیم . او جان خود را برای نجات من و شما فدا کرد .

و این اولین فداکاری این خاندان برای حفظ پناهگاه و خانه ی آرامش برای انسانها بود .

چرا که خدا خانه ی اهل بیت پیامبر خود را برای کل بشریت و تا روز قیامت ، خانه ی امن و امان و نجات و پناه قرار داده .

 آن فداکاری صورت گرفت که نسل پیامبر در میان مردم پابرجا بماند ، آن فداکاری صورت گرفت تا نشان نجات خدا در هر زمانی در دسترس قرار گیرد .

شاید دشمن خانه ای را به خیال خود سوزاند اما اهل آن خانه اند که پناه آدمیانند .

افرادی مانند امیرالمومنین که وقتی نیازمندی به ایشان رجوع می کند ، اینگونه او را اجابت می کنند :

نیازمندی به امیرالمومنین مراجعه می کند و شرح حال خود را اینگونه می گوید : فقیرم و محتاج کمک ، مریضم و نیازمند درمان و جاهلم و به دنبال هدایت . حضرت می گویند برای چه نزد من آمدی ؟! برای فقرت به دنبال شخصی با کَرَم بگرد و برای جهلت به دنبال عالِم باش و برای سلامتت هم حکیم را بجوی ! او می گوید می دانم نزد چه کسی آمده ام ؛ حکیم تویی ، عالم تویی ، کریم هم تویی ! امام وقتی معرفت آن نیازمند را می بینند شادمان می شوند و مشکل او را با مالی که به او می دهند و توصیه به صدقه دادن آن مال می کنند ، پاسخ می دهند .

و یا فردی که خدمت امام باقر علیه السلام می رسد و می گوید ، آقا ما برای مشکلاتمان می دانیم که اگر به خانه ی شما بیاییم ، دست پر خارج می شویم ، اما گاهی راهمان دور است و دسترسی به شما برایمان آسان نیست ، چه کنیم ؟

امام می فرمایند همان خدایی که این قدرت را به ما داده تا با رجوع شما ، مشکلات شما را آسان کنیم ، همان خدا هم به ما اذن داده که اگر شما حتس لبانتان را تکان داده و با ما حرف بزنید ما بشنویم و اجابت کنیم !

اینست آن خانه ی امن و پناه الهی که درب آن هیچ گاه بروی رجوع کننده ی به آن خانه بسته نیست . حتی من و شمایی که امروز شاید بازمانده ی آن خاندان و فرزند پیامبر را نتوانیم با چشم ظاهر ببینیم .

خدا برای ما هم امروز این خانه ی امن را به واسطه ی حجت حاضرش بر پا کرده که اگر نیازمندی صاحب این خانه - مهدی - را صدا زند ، او نیز مانند پدرانش با آغوش باز پذیرا خواهد بود .

خانه ی مهدی صاحب الزمان (عج) ، نشانه ای دارد ! نشانه ای که هر کوچک و بزرگی را خطاب قرار داده و استثنا هم ندارد

آن نشان زیبا اینست :

**إِنَّا غَيرُ مُهمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُم وَ لَا نَاسِينَ لِذِكرِكُم**

شاید امام عصر اینگونه خود را معرفی کرده اند که نشان دهند ، آمدن نزد ایشان بهانه نمی خواهد چرا که قبل ما ، او ما را صدا زده و یاد کرده است .

خانه ی پدری همیشه با خود صفا و آرامش می آورد ، خانه ی پدری چون مهدی ، تمام آرامش و خوشبختی است .

بدانیم که پدر این خانه - مهدی - چشم انتظار ماست و در خانه را برای آمدن ما همیشه باز نگه می دارد .

برای رفتن به خانه ی پدر به دنبال بهانه نباش ، او آماده ی در آغوش گرفتن ماست .

**الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّکِینَ بِوِلاَیَهِ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ وَ الْأَئِمَّهِ عَلَیْهِمُ السَّلاَمُ**